

رویکرد گسترده عالمان فارسی زبان به برگردان قرآن کریم به زبان فارسی که در چند دهه اخیر حیات و نشاطی دو چندان به خود گرفته است، نکته‌سنجان و منتقدان بسیاری را به موشکافی و تأمل در این آثار ارزشمند برانگیخته و بابی نوین را در پژوهش‌های قرآنی با عنوان «نقد ترجمه‌های قرآن کریم» گشوده است که حیات جدی آن از نیم قرن تجاوز نمی‌کند. چند سالی است که این روند با تب و تاب‌ی روز افزون، بخشی از همت ادیبان و پژوهشگران معارف قرآن را به خود معطوف داشته است؛ روندی که نه تنها ترجمه قرآن را به سوی صحت و دقت هر چه بیشتر سوق داده بلکه در تدوین اصول و قواعد علمی حاکم بر ترجمه قرآن نیز نقش بسزایی ایفا کرده است. بررسی قریب یکصد مقاله که تا کنون در زمینه نقد ترجمه‌های فارسی قرآن کریم به چاپ رسیده حاکی از آن است که نویسندگان آنها آثار خود را در قالب‌ها و ساختارهای متفاوتی عرضه کرده‌اند. در این گفتار کوشیده‌ایم تا با بررسی این مقالات، ساختارهای حاکم بر آنها را شناسایی کنیم و ضمن طبقه‌بندی آنها دورنمایی از شاکله این آثار ارزشمند را ارائه دهیم.

به طور کلی این نقدها از دو جنبه صوری و محتوایی قابل بررسی و طبقه‌بندی‌اند. سخن را با طبقه‌بندی صوری نقدها آغاز می‌کنیم.

◆ ۱. طبقه‌بندی صوری نقدها

اگر از اندک مقالاتی که موضوع اصلی آنها نقد مقدمه، مؤخره یا توضیحات ذیل صفحه (پانوشت‌ها) است بگذریم و به سراغ آنهایی برویم که مستقیماً به نقد متن پرداخته‌اند، می‌توان آنها را از لحاظ صوری به دو دسته عمده تقسیم کرد:

نقدهای خاص و نقدهای عام.

◆ ۱.۱. *نقدهای خاص

مراد ما از نقد خاص، نقدی است که از آغاز به منظور بررسی ترجمه‌ای خاص نوشته شده است. این گونه مقالات که بخش عمده‌ای از مقالات نقد ترجمه‌های قرآن را تشکیل می‌دهند خود از لحاظ صوری و ساختاری به دو زیر گروه تقسیم می‌شوند:

۱- نقد خاص ترتیبی

۲- نقد خاص عنوان یافته.

◆ ۱.۱.۱. نقد خاص ترتیبی

نقد خاص ترتیبی را به مقاله‌ای اطلاق می‌کنیم که نویسنده آن بخشی از ترجمه مورد نظر یا تمام آن را موضوع نقد خود قرار داده و از ابتدا تا انتهای آن را به ترتیب آیات و سور قرآن کریم مطالعه کرده و به نقد کشیده است. این شیوه یکی از رایج‌ترین شیوه‌های نقد کتاب به شمار می‌رود. چند نمونه از چنین نقدهایی را نام می‌بریم:

نقدهایی که آقای محمد علی کوشا بر ترجمه‌های آقایان آیتی، امامی، خرمشاهی و فولادوند نوشته است،^۱ همگی از این قبیل‌اند؛ یعنی نقد از بندهای متعددی تشکیل شده است که از ترجمه آیات سوره حمد شروع و به سوره‌های آخر قرآن کریم ختم می‌شود. نقد ایشان بر ترجمه آقای خرمشاهی در دو قسمت چاپ شده است. قسمت اول از سوره فاتحه تا سوره قصص و قسمت دوم از سوره قصص تا سوره ناس را شامل می‌شود.

* شماره‌های مربوط به تقسیم بندی مطالب مقاله، به پیروی از رسم الخط فارسی، از راست به چپ درج شده است.

۱. محمد علی کوشا، «نقدی بر ترجمه آقای بهاء‌الدین خرمشاهی از قرآن کریم [۱]: (از آغاز تا سوره قصص)»، وقف، میراث جاویدان، سال پنجم، ش ۱۷، بهار ۱۳۷۶، صص ۲۱۸-۲۱۷؛ همو، «نقدی بر ترجمه آقای بهاء‌الدین خرمشاهی از قرآن کریم [۲]: (از سوره قصص تا سوره ناس)»، وقف، میراث جاویدان، سال پنجم، ش ۱۸، تابستان ۱۳۷۶، صص ۳۰-۲۸؛ همو، «نقدی بر ترجمه آقای عبدالمحمد آیتی از قرآن کریم»، وقف، میراث جاویدان، سال چهارم، ش ۱۳، بهار ۱۳۷۵، صص ۲۲-۴۵؛ همو، «نقدی بر ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند از قرآن کریم»، ترجمان وحی، سال سوم، ش ۵، شهریور ۱۳۷۸، صص ۴۶-۶۷؛ همو، «نقدی بر ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی از قرآن کریم»، وقف، میراث جاویدان، سال دوم، ش ۶، تابستان ۱۳۷۳، صص ۱۴-۲۶.

از همین دسته است نقد آقای مسعود انصاری بر ترجمهٔ سورهٔ توبه آقای آیتی و ترجمهٔ آقای فولادوند^۱ و نیز نقدهایی که آقای خرمشاهی بر ترجمه‌های آقایان آیتی و بهبودی^۲ در قرآن پژوهی به چاپ رسانده است.

◆ ۲.۱.۱. نقد خاص عنوان یافته

به مقاله‌ای اطلاق می‌شود که منتقد نقدهای خود را تحت عناوین و موضوعاتی کلی ارائه می‌دهد. در این روش منتقد پس از آن که در مطالعهٔ ترجمهٔ مورد نظر لغزشگاه‌های آن را مشخص می‌کند آنها را براساس نوع لغزش به طبقات و گروه‌هایی تقسیم می‌نماید و ترجمه‌های نادرست را تحت این عناوین قرار می‌دهد. خلاصه این که در این شیوه خواننده از طریق عناوین کلی بر نمونه‌ها و نقد ترجمهٔ آیات وارد می‌شود. غالباً ناقدانی که از این شیوه استفاده کرده‌اند، هنگام آوردن آیات در ذیل عناوین، ترتیب آیات قرآنی را رعایت کرده، آیات را بدان ترتیب آورده‌اند.

نخستین نقدی که بدین شیوه بر ترجمه‌ای از قرآن کریم در مطبوعات ایران به چاپ رسید سلسله مقالات عالمانهٔ منتقد توانا مرحوم سید محمد فرزانه بود که در سال‌های ۱۳۳۷-۱۳۳۸ در نقد ترجمهٔ آقای ابوالقاسم پاینده نوشته شد.^۳ این سلسله مقالات در سه فصل کلی سامان یافته بود:

۱. مسعود انصاری، «نگاهی به ترجمهٔ سورهٔ توبه از: عبدالمحمد آیتی»، بینات، سال چهارم، ش ۱۳، بهار ۱۳۷۶، صص ۱۳۸-۱۴۶؛ همو، «نگاهی به ترجمهٔ قرآن کریم از: استاد محمد مهدی فولادوند»، بینات، سال سوم، ش ۱۱، پاییز ۱۳۷۵، صص ۱۱۸-۱۲۵.
۲. بهاء‌الدین خرمشاهی، «ترجمهٔ قرآن مجید، به قلم عبدالمحمد آیتی»، قرآن پژوهی (هفتاد بحث و تحقیق قرآنی)، چ ۱، تهران، مرکز نشر فرهنگی مشرق، ۱۳۷۲، صص ۳۴۶-۳۸۰؛ همان، صص ۳۸۱-۴۰۱. همچنین با نام «دربارۀ معانی القرآن محمدباقر بهبودی» در کیان، سال سوم، ش ۱۷، بهمن و اسفند ۱۳۷۲، صص ۵۵-۶۰.
۳. سید محمد فرزانه، «ترجمهٔ قرآن مجید (به قلم آقای ابوالقاسم پاینده)»، یغمد، سال یازدهم، شماره ۱۰، دیماه ۱۳۳۷، صص ۴۵۰-۴۵۶، شماره ۱۱، بهمن ۱۳۳۷، صص ۴۸۶-۴۹۳، شماره ۱۲، اسفند ۱۳۳۷، صص ۵۳۵-۵۳۸؛ سال دوازدهم، شماره اول، فروردین ۱۳۳۸، صص ۱۳-۱۷، شماره ۳، خرداد ۱۳۳۸، صص ۱۰۸-۱۱۲، شماره ۶، شهریور ۱۳۳۸، صص ۲۴۹-۲۵۴، شماره ۷، مهر ۱۳۳۸، صص ۳۲۴-۳۲۷. مجموع این هفت مقاله در مقالات فرزانه، به اهتمام احمد اداره‌چی گیلانی، چاپخانهٔ حیدری، ۱۳۵۶، صص ۳۴۴-۴۱۰، و بخشی از آن به نقل از مقالات فرزانه در مترجم، سال سوم، ش ۱۰، تابستان ۱۳۷۲، صص ۱۵۲-۱۶۳ چاپ شده است.

فصل اول: کلمات و عباراتی که در ترجمه از قلم افتاده و ترجمه نشده است (در ۱۸۲ بند).
فصل دوم: غفلت‌ها و سهو القلم‌هایی که بیشتر ناشی از اشتباهات ساده صرفی و لغوی بوده است (در ۱۰۰ بند).

فصل سوم: اغلاط و اشتباهاتی که اغلب ناشی از غفلت در قواعد نحوی و ترکیبی کلام عرب است (در ۱۰ بخش).

نمونه دیگری از این گونه نقدها، نقد منسجم و مرتب آقای مرتضی کریمی‌نیا بر ترجمه آیت الله مکارم شیرازی است. این نقد که در دو شماره از مجله بینات به چاپ رسید شامل عناوین کلی زیر بود:

- الف. برخی موارد ترجمه نشده (از بند ۱ تا ۲۵)؛
 - ب. اشکالات نحوی و ساختاری (از بند ۲۶ تا ۴۳)؛
 - ج. تفاوت و تضاد در تفسیر و توضیح (از بند ۴۴ تا ۵۰)؛
 - د. اشتباهات صرفی و لغوی (از بند ۵۱ تا ۵۹)؛
 - ه. تفاوت یا تضاد در ترجمه عبارت‌ها، ترکیب‌ها و آیه‌های مشابه (از بند ۶۰ تا ۹۲)؛
 - و. بررسی برخی آیه‌ها که آزاد و غیر مطابق ترجمه شده است (از بند ۹۳ تا ۱۰۳)؛
 - ز. تقدیرهای دلخواه و متغایر (از بند ۱۰۴ تا ۱۰۷)؛
 - ح. بررسی نگارش فارسی جملات و ویرایش ظاهری ترجمه (از بند ۱۰۸ تا ۱۱۷).^۱
- البته برخی از بندهای این نقد مفصل، خود شامل بررسی ترجمه چند آیه است.

یکی دیگر از نقدهای خاص عنوان یافته که از نظام و سازماندهی نسبتاً خوبی برخوردار است نقد آقای سید حیدرعلوی نژاد بر ترجمه استاد آیتی است. این نقد بدین شکل عنوان یافته است:

۱. ارزش‌ها و امتیازها.
۲. موارد قابل تأمل و تصحیح:
- ۱.۲. نارسایی‌های ساختاری (مانند: ارتباط آیات و جمله‌ها، نادیده گرفتن ارتباط

۱. مرتضی کریمی‌نیا، «نقد و بررسی ترجمه قرآن کریم، از آیت الله مکارم شیرازی»، بینات، سال سوم، ش ۹، بهار ۱۳۷۵، صص ۱۴۰-۱۵۳ و ش ۱۱، پاییز ۱۳۷۵، صص ۱۲۶-۱۴۸.

ساختاری، ایجاد ارتباط بی مورد...).

۲.۲. سهل‌انگاری در انتخاب معادل برای واژه‌ها و عبارات.

۳.۲. عدول از قرائت مشهور و موجود در رسم‌الخط.

۴.۲. زبان ترجمه (نابسامانی‌های زبان ترجمه).

۵.۲. سجاوندی (علائم نگارش)^۱

برخی از نقدهای خاص با ترکیبی از نقد ترتیبی و نقد عنوان یافته تنظیم شده‌است؛ مانند نقد آقای کریمی‌نیا بر ترجمه استاد فولادوند که ابتدا آیاتی به ترتیب از سوره بقره جهت نقد انتخاب شده و ناقد به تناسب موضوع نقد شده در آن آیه، ترجمه آیات مشابه را - از همان سوره یا دیگر سوره‌ها - بررسی و نقد کرده است.

◆ ۲.۱. نقد عام

نقدی را عام می‌گوییم که هدف نویسنده آن نقد یک ترجمه مشخص نیست، بلکه برای یافتن نمونه مورد نظر خود ممکن است به سراغ هر یک از ترجمه‌های موجود رفته و از یک یا چند ترجمه، شواهدی بر مطلب مورد نظر خود بیابد؛ مثلاً نویسنده‌ای که می‌خواهد لغزشگاه‌های ترجمه در سوره حمد را روشن سازد یا موضوع مقاله‌اش ترجمه صحیح اقسام حروف جرّ در قرآن است با مراجعه به یک یا چند ترجمه، نمونه‌های مورد نظر خود را از میان آنها یافته و در مقاله خود درج می‌کند. نقد عام را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

◆ ۱.۲.۱. نقد عام موضوعی

مقاله‌ای است که نویسنده موضوع خاصی را که مرتبط با ترجمه است انتخاب می‌کند و مصادیق آن موضوع را در ترجمه‌های مختلف به نقد و بررسی می‌گذارد. نقدهای عام موضوعی چنانچه از دقت و علمیت لازم برخوردار باشند تأثیر بسزایی در پیشرفت گستره تحقیقات ترجمه قرآن خواهند داشت. بهترین نمونه‌های چنین نقدی را در مقالات آقای

۱. سید حیدر علوی نژاد، «نگرشی به ترجمه قرآن استاد آیتی»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۱، بهار ۱۳۷۴، صص ۲۴۹-۲۶۶.

مرتضی کریمی‌نیا می‌توان یافت؛ مثلاً ایشان در مقاله «مترجمان و لغزش در فهم معنای «إن»»^۱ با تفحصی گسترده، تمام بیست و چهار مصداق «إن» مخففه از ثقیله در قرآن را در ۱۲ ترجمه و ۴ تفسیر فارسی بررسی و موارد درست را از نادرست تفکیک کرده است.^۱

مقاله‌های دیگر ایشان با عنوان «بای تعدیه در قرآن کریم»^۲، «از مقتضیات زبان فارسی در ترجمه قرآن کریم»^۳، «یکسانی و هماهنگی ترجمه قرآن»^۴، «چه را ترجمه نکنیم و چرا؟»^۵ نمونه‌هایی از نقد عام موضوعی به شمار می‌رود، و نیز مقاله آقای حمید آریان با نام «توصیف در ترکیب‌های اضافی قرآن و لغزش‌های برخی از مترجمان»^۶. سلسله مقالات آقای حسین استاد ولی که با عنوان «لغزشگاه‌های ترجمه قرآن کریم» در شماره‌های یک تا شش مجله بینات به چاپ رسیده است نیز در همین گروه قرار دارد.

◆ ۲.۲.۱. خرده نقد یا نقد ضمنی

خرده نقد یا نقد ضمنی نقدهایی را می‌گوییم که در لای کتاب‌ها و مقالات مختلف می‌توان آنها را یافت و نویسنده به تناسب بحث به نقد ترجمه یک یا چند آیه اشاره کرده است، خواه به نام مترجم آیه تصریح کرده باشد یا بدون ذکر نام به نقد آن پرداخته باشد. از نخستین نمونه‌های نقد ضمنی (خرده نقد) در نوشته‌های معاصر، می‌توان به نکاتی که در مقدمه ترجمه آقای ابوالقاسم پاینده آمده است اشاره کرد. وی با شکوه از ترجمه‌هایی که ساختار جملات فارسی در آنها رعایت نشده است، می‌نویسد: «برای نمونه، جمله‌ای چند از یک ترجمه بسیار قدیم قرآن را که بعضی متادبان به حکم کهنسالی، شاهکار ترجمه‌های قرآنش می‌خوانند در اینجا می‌آورم، مثلاً ترجمه آیه ۲۳۱ از سوره بقره چنین است: و چون طلاق دهید زنان را برسند به وقت عدت ایشان مه باز داریدشان که شوهری کنند زنانشان را

۱. مرتضی کریمی‌نیا، «مترجمان و لغزش در فهم معنای «إن»»، بینات، سال اول، ش ۲، تابستان ۱۳۷۳، صص ۷۲-۸۳.
۲. رک: بینات، ش ۵، ۱۳۷۴، صص ۵۰-۶۵ و ش ۶، ۱۳۷۴، صص ۵۲-۶۱.
۳. رک: حوزه و دانشگاه، ش ۱۰، ۱۳۷۶، صص ۱۳-۲۵.
۴. رک: ترجمان وحی، ش ۱، ۱۳۷۶، صص ۷-۲۴.
۵. رک: ترجمان وحی، ش ۲، ۱۳۷۶، صص ۲۶-۳۹.
۶. حمید آریان، «توصیف در ترکیب‌های اضافی قرآن و لغزش‌های برخی از مترجمان»، ترجمان وحی، سال سوم، ش ۵، شهریور ۱۳۷۸، صص ۱۰-۳۱.

چون بیسندند میان ایشان به نیکوی، این پند دهند بدان آنکه بود از شما که بگردد به خدای و روز رستخیز^۱. سپس مجدداً بدون ذکر نام مترجم، به اشکالاتی که در برگردان چند آیه از ترجمه آقای الهی قمشه‌ای وجود دارد می‌پردازد.

نمونه‌های دیگری از این خرده نقدها را در مقدمه ترجمه آقای جلال‌الدین فارسی^۲ (در نقد ترجمه واژه‌عالمین در ترجمه‌های پیشین)، مؤخره ترجمه دکتر سید جلال‌الدین مجتبیوی^۳ (در نقد ترجمه آیه ۵۳ بقره و ۴۱ انفال یکی از ترجمه‌های معاصر) و امثال آن می‌توان مشاهده کرد.

◆ ۲. طبقه‌بندی محتوایی نقدها

بیان شد که نقدهای موجود در زمینه ترجمه قرآن را از جنبه‌های مختلف می‌توان تقسیم کرد. در تقسیم‌بندی قبلی (طبقه‌بندی صوری) نقدها را از لحاظ ساختار ظاهری به گروه‌هایی تقسیم کردیم. در این بخش، آنها را با نگاه به محتوایشان طبقه‌بندی می‌کنیم.

◆ ۱.۲. نقد و ساخت

منظور از نقد و ساخت نقدی است که به مباحث روبنایی و ساختارهای ظاهری ترجمه توجه دارد و نقد‌کننده به دنبال نشان دادن تبعات، نتایج و عواقب منفی که این نوع لغزش از لحاظ اعتقادی، کلامی، هنری و... بر جای می‌گذارد نیست. مثلاً جا افتادگی‌های عبارت، خطاهای مطبعی، علائم سجاوندی، عدم تفکیک ترجمه از تفسیر در متن، خروج از محدوده قرائت یا رسم الخط مشهور یا معتبر در ترجمه، ارجاع نادرست ضمائر، عدم رعایت ساختار نحوی زبان فارسی در ترجمه، عدم رعایت هماهنگی و یکسانی ترجمه آیات مشابه، و... نمونه‌هایی از عناوینی است که در نقدهای روساخت بدان پرداخته می‌شود. پی بردن به لغزش‌های روساخت غالباً سریع‌تر و راحت‌تر از لغزش‌های ژرف ساخت انجام می‌گیرد. پیدا کردن نمونه‌هایی از نقد و ساخت در مقالاتی که به شیوه

۱. ابوالقاسم پاینده، ترجمه قرآن مجید، تهران، جاویدان، ۱۳۳۶، مقدمه، ص «ل» و «لا».

۲. جلال‌الدین فارسی، ترجمه قرآن کریم، چ ۱، تهران، فرجام، ۱۳۶۹، صفحه دوم مقدمه.

۳. سید جلال‌الدین مجتبیوی، ترجمه قرآن حکیم، چ ۱، تهران، حکمت، ۱۳۷۱، ص ۶۳۰.

نقدهای خاص عنوان یافته تنظیم شده است و همچنین نقدهای عام موضوعی کار چندان دشواری نیست، زیرا دیدن عناوینی از قبیل آنچه ذکر شد غالباً حاکی از وساخت بودن نقد است. البته گاه ممکن است ناقد از طریق عناوین نقد وساخت، وارد مباحث ژرف ساخت ترجمه شود و به مباحث تفسیری، اعتقادی و ناسازگاری‌های هنری ترجمه پردازد که در این صورت نقد حقیقتاً نقدی ژرف ساخت به حساب می‌آید. مطلب را با مثالی روشن می‌کنیم:

در ترجمه آقاي آيتي، آيه «**اِهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ**» (بقره/۶۱) چنین ترجمه شده است: «به شهری باز گردید که در آنجا هر چه خواهید به شما بدهند». اشکالاتی در این عبارت وجود دارد، از جمله این که در این ترجمه «اِهْبِطُوا» به «باز گردید» ترجمه شده است حال آن که در لغت، «هبط» به معنای فرود آمدن است نه بازگشتن. تا این جا نقد، نقدی وساخت به شمار می‌رود، زیرا مشکلی که بدان اشاره کرده است عدم دقت در معادل‌یابی است؛ اما از نگاهی دیگر اگر «هبط» را به «بازگشتن» معنا کنیم، تفسیر آیه نیز تغییر خواهد کرد؛ چه این که آیه درباره قوم بنی اسرائیل است که پس از سال‌ها آوارگی و بیابانگردی از حضرت موسی (ع) خواستند که خدا برایشان از رویدنی‌های زمین غذاهایی همچون سبزی، خیار، سیر، عدس و پیاز فراهم آورد، که خطاب شد: «به شهری فرود آید، آنچه خواسته‌اید به شما داده خواهد شد». حال اگر «اِهْبِطُوا» را به باز گردید ترجمه کنیم، معنای آیه این می‌شود که شما به شهری که قبلاً در آن بودید برگردید و در همان شهر ساکن شوید؛ یعنی محل سکونت همان شهری می‌شود که آنها سابقاً در آن بوده‌اند؛ حال آن که «فرود آمدن» چنین معنایی را نمی‌رساند بلکه تنها می‌فهماند که دست از آوارگی و بیابانگردی بردارید و در جایی فرود آید. ذکر چنین مطالبی در پی نقد، از ژرف ساخت بودن نقد و ورود به مباحث تاریخی و تفسیری مربوط با آن حکایت دارد.

در پایان، چند نمونه متفاوت از نقدهای وساخت را که توسط ناقدان معاصر مطرح شده است می‌آوریم:

– آقاي مرتضی کریمی‌نیا (کرباسی) برخی از آیات غیر خطابی را در ترجمه آقاي فولادوند نشان می‌دهد که به شکل خطابی ترجمه شده است؛ مثلاً در ترجمه آیه «**وَ يَنْسِفُ الْمَصِيرُ**» (بقره / ۱۲۶) می‌خوانیم: «و چه بد سرانجامی است». از اکثر آیاتی که در آنها فعل

«بُسَّ» آمده، چنین ترجمه‌ای ارائه شده و حال آن که در این موارد به کلمه «چه» نیاز نیست. ترجمه آقای مجتبوی از آیه چنین است: «و بد سرانجامی است».^۱

– دکتر احمدی در نقد ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای از آیه «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ» (یوسف / ۳) که این گونه ترجمه شده است: «ما بهترین حکایات را به وحی این قرآن بر تو می‌گوییم» می‌نویسد: در این آیه شریفه «قَصَص» به فتح قاف که مصدر است با «قَصَص» به کسر قاف که جمع قصه است اشتباه شده است.^۲

◆ ۲.۲. نقد ژرف ساخت

از آنچه گفتیم، معنای نقد ژرف ساخت نیز تا حدودی روشن شد. نقد ژرف ساخت را بر نقدی اصطلاح کرده‌ایم که در آن منتقد از لغزش‌های ظاهری و صوری پا را فراتر نهاده و به مباحث فراواژه‌ای و فراجمله‌ای نظر می‌کند. به طور مثال به حوزه معنایی واژه‌ها وارد شده و به بازتاب‌های معنایی آن نظر کرده یا به نتایج کلامی و اعتقادی ترجمه نادرست آیه پرداخته و با ارائه تبعات ناصحیح اعتقادی عبارت، ترجمه را به نقد کشیده و یا احیاناً به حوزه مباحث زیبایی شناختی مرتبط به بحث پرداخته است. اینها همه مباحثی هستند که در نقد ژرف ساخت مدنظر قرار می‌گیرند.

با دقت در چند نقد ذیل، مطلب واضح‌تر می‌شود.

– آقای خرمشاهی در نقدی که بر ترجمه آقای آیتی نوشته و در سیر بی‌سلوک به چاپ رسانده است، تحت عنوان «درباره علم الهی» می‌نویسد:

آیه ۱۴۲ سوره آل عمران: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ» چنین ترجمه شده است: «آیا می‌پندارید که به بهشت خواهید رفت و حال آنکه هنوز برای خدا معلوم نشده است که از میان شما چه کسانی جهاد می‌کنند و چه کسانی پیاداری می‌ورزند؟». این ترجمه از نظر علم عقاید و کلام اسلامی اشکال دارد و گویی منکر علم (سابق) الهی است و این سؤال را پیش می‌آورد که پس کی برای خداوند معلوم خواهد شد که مجاهدان و صابران چه کسانی هستند و این شبهه را پیش می‌آورد که گویی علم الهی، تابع معلوم است... ترجمه شادروان الهی قمشه‌ای، قطع نظر از اینکه مثل همیشه اندکی اطناب و اضافات دارد درست و دقیق است: «گمان می‌کنید به بهشت داخل خواهید شد بدون

۱. مرتضی کرباسی، «نگاهی به ترجمه قرآن کریم محمد مهدی فولادوند»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، ش ۳، ۱۳۷۴، ص ۵۰.

۲. احمد احمدی، «ضرورت ترجمه‌ای آکادمیک از قرآن کریم»، بینات، سال اول، ش ۱، ۱۳۷۳، ص ۸۰.

آنکه خدا امتحان کند و آنانکه جهاد در راه دین کرده و آنهاکه در سختیها صبر و مقاومت کنند مقامشان را بر عالمی معلوم گرداند؟^۱

ناقد، نمونه دیگری از چنین بحث اعتقادی را در ذیل آیه ۱۲ سوره هود «فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضُ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ...» با عنوان «ترک بعضی از وحی؟» مطرح می‌سازد.^۲ از این گونه مباحث کلامی ترجمه، در ذیل آیاتی که ظاهرشان مشعر به «رؤیت الهی»، «اضلال الهی» و ... است نیز می‌توان نمونه‌هایی یافت.

نمونه دیگر نقد ژرف‌ساخت را در حوزه معنایی واژه و تحولات معنایی آن مطرح می‌کنیم. یکی از مترجمان و نقادان معاصر می‌نویسد:

«یکی از افراط‌گرایان که در ترجمه اش از قرآن کریم در وادی لغزان سره‌گرایی لغزیده است... عذاب را به شکنجه ترجمه کرده است و بنده به ایشان برادرانه تذکر دادم که شکنجه ایهام قبیح دارد. برای مترجم و ترجمه قرن ششم امثال میدی یا ابو الفتوح رازی بی‌اشکال است... ولی در عصر ما، یادآور شکنجه‌های ددمنشانه ساواک و سازمانهای امنیت کشورهای مختلف به مجرمان یا متهمان یا مبارزان سیاسی است و اگر مترجمی قصد و غرض خاصی نداشته باشد، نباید از آن استفاده کند، چون کلمه «عذاب» در عرف فارسی کتبی و شفاهی مابه معنای قرآنی اش زنده است لذا در ترجمه باید همان را گذاشت».^۳

درباره مثال اخیر روشن است که عذاب را همه فرهنگ‌ها و کتاب‌های لغت عربی به فارسی شکنجه ترجمه کرده‌اند و آن را معادل فارسی واژه عذاب دانسته‌اند، لذا چنین ترجمه‌ای را نمی‌توان از نگاه روساختی به نقد کشید، بلکه کژتابی‌های معنایی که در طول زمان بر این واژه عارض شده مستمسک نقد چنین ترجمه‌ای شده است. با مثال‌هایی که تاکنون ذکر شد، حوزه نقد ژرف ساخت را به‌خوبی می‌توان از حوزه روساخت آن تفکیک و تمایز میان آنها را احساس کرد.

□

۱. بهاء‌الدین خرمشاهی، «درباره ترجمه استاد آیتی از قرآن کریم»، سیر بی‌سلوک، ج ۳، تهران، انتشارات ناهید، ۱۳۷۶، ص ۱۴۵.

۲. همان، ص ۱۴۸-۱۵۵.

۳. بهاء‌الدین خرمشاهی، «رؤیای ترجمه بی‌غلط قرآن»، بینات، سال اول، ش ۳، پاییز ۱۳۷۳، ص ۶۸.

نمودار طبقه‌بندی نقدهای ترجمه‌های قرآن کریم

